

## شام غریبان و مبارزه ما

امیرفیض - حقوقدان

اول به بینیم که شام غریبان چیست که مبارزه ما ایرانیان علیه جمهوری اسلامی به آن تشبیه شده است.

شام غریبان به مراسم عزاداری شب یازدهم محرم گفته میشود که مردم در عزای اهل بیت حسین فرزند علی (امام سوم شیعیان) به دورهم جمع میشوند و بادر دست داشتن شمع های روشن و خواندن نوحه یاد آن روز را گرامی میدارند.

تنها جنبشی که در تاریخ ایران دوره تشیع، با شمع روشن وجود دارد همین مراسم شام غریبان است که امسال هم با تشریفات خاصی در ششم آذرماه در تهران برگزار شد، که باشمع روشن در سطح وسیعی در خیابان، نوشته شده بود <یا حسین> یعنی درست همان کاری که برنامه شمع، اعلیحضرت درواشنگتن به اجرا گذاشتند، با این تفاوت که بجای یاحسین کلمه <آزادی> را روی زمین باشمع ساختند و مراسم شام غریبان ایران ششم آذرماه بود و مراسم ایرانیان خارج از کشور چند روز بعد از مراسم جمهوری اسلامی. بتصاویر شام غریبان در تهران نگاه کنید



خلق را تقلیدشان برباد داد - ای دوصد لعنت بر این تقلید باد



روشن کردن شمع در مراسم، در فرهنگ مسیحیان، در مفهوم حضور روح عیسی است، زیرا آنها معتقدند که روح عیسی از نوراست، و شمع روشن، نمودار حضور روح عیسی است، و در فرهنگ ایران قبل از اسلام خدمت به عابریان از زحمت تاریکی بوده است که خیرخواهانی پیه سوزهای رادرمعابروشکاف دیوارها میگذاشتند که مردم آسایش عبور داشته باشند و نوعی اعتقاد به تفوق روشنائی بر تاریکی سبب استقبال آنها از این کار بود. پس از حاکمیت قهر آمیز اسلام روشن کردن معابر حالت نذر پیدا کرد که قرآن هم اشاره ای به آن دارد.

سیرجریان زمان، با آنکه «نذرچراغ» را کم کم متداول ساخت ولی جایگاه روشن کردن شمع افول نیافت، تنها از خیابان و کوچه ها به امامزاده ها و کمتر بمساجد منتقل گردید.

بنابر آمار مورد تائید سازمان اوقاف جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۸۹ ده هزار و پانصد امام زاده در ایران به ثبت رسیده که این تعداد ۷ برابر امامزاده هائی است که در سال ۱۳۵۷ در ایران وجود داشته است و طبق آمار همان سازمان تاکنون (تا سال ۱۳۸۹) ۱۰۰ میلیون نفر به این امامزاده هار جوع کرده اند.

در تمام این امامزاده ها بدون استثناء جایگاهی وجود دارد که زائرین شمع روشن میکنند چرا؟ آنها به خیال خودشان رشوه ای به امامزاده میدهند که واسطه آنها با خدا شده و از خدا بخواهند که نیت و خواسته آنها را قبول کند.

بنابراین در فرهنگ حاکم بر مردم کشور ما شمع روشن کردن اولاً در امامزاده ها صورت میگیرد و دوم اینکه بقصد تقرب به خدا و تحقق خواسته های آنان به دلالتی و واسطه گری انمه ویا اولاد آنهاست، و بطور مسلم اگر به آن ۱۰۰ میلیون مراجعه کننده به امامزاده ها رجوع شود قصد هیچکدام از آنها روشن کردن فضای امامزاده نبوده است.

در فرهنگ حاکم بر مردم کشور ما، روشن کردن شمع، با فرهنگ حاکم بر کشورهای غربی از نظر معنا و مفهوم تفاوت کلی دارد و ظاهراً، در حضور مذاهب مشترک هستند.



### ابهام همراه تاسف

آیا مبارزه ما ایرانیان علیه جمهوری اسلامی الزام و تعهد و یا محدودیت و یا نیاز قطعی دارد در استفاده از شمع روشن و دادن عنوان ساختگی و بدون پیشینه ناسیونالیستی و ایرانی به آن که اعلیحضرت بفرمایند.

### «من همواره پشتیبان جنبشهای صلح جویانه مانند جنبش شمع های روشن هستم»

مقصود از **جنبش شمع های روشن** بغیر از جنبش شام غریبان و هموزن آن جنبش و عادت روشن کردن شمع در امامزاده ها که کاملاً مورد حمایت جمهوری اسلامی و از اسباب حیات سیاسی آن رژیم است چیست؟

مردم ایران و بطور کلی انسان ها هدف و منظور از انجام هر کاری را با باور شخصی خودشان میسنجند، مردمی که اعتقاد دارند شمع روشن کردن توسل به امامزاده و انمه است و جایگاه آنها شناخته شده میباشد و توده عظیم صد میلیونی را

تشکیل میدهند از عمل ما در روشن کردن شمع درواشنگتن آمریکا چه برداشتی خواهند داشت؟ آیا دشوار است که برداشت ذهنی آنان را خواند که روشن کردن شمع ما را در واشنگتن بمنزله توسل به آن کشور خواهند گرفت؟ و نقش امامزاده را در آمریکا خواهند یافت؟

حقیقتا چه الزامی است که ما به چنین اعمال نمایشی که حاصلی جز فاصله گرفتن از مردم را ندارد متوسل بشویم<sup>۱</sup>.

مگر ما درسی سال گذشته از گرفتن شام غریبان استفاده کرده ایم که اکنون عنوان جنبش را به آن داده ایم، درست کاری را که جمهوری اسلامی درسالگرد عاشورا کرد، ما هم در خارج از کشور آنرا درواشنگتن تقلید کردیم.

همین دیروز خاتمی خواستار آزادی زندانیان سیاسی شد و آزادی زندانیان سیاسی را از اسباب استحکام نظام جمهوری و رفع نگرانی های بین المللی دانست، خوب مبارزه اعلیحضرت هم همان خواسته را دارد، دیگر چه نیازی به جنبش روشن کردن شمع در آمریکا میباشد.

مبارزه اعلیحضرت به خواسته انتخابات آزاد است، احمدی نژاد در اولین همایش قوه مجریه در حقوق اساسی که در دانشگاه بهشتی تشکیل شده بود گفت: «انتخابات آزاد حق مردم است و انتخابات آزاد هم اصالت دارد و هم ضرورت» (کیهان همین هفته شماره ۱۴۳۵)

مبارزه ای که هدف آن صندوق رای و انتخابات آزاد است و رئیس جمهور آن کشور هم خواستار انتخابات آزاد است و خاتمی هم که هرچه باشد متکای مبارزه ایرانیان داخل کشور برای آزادی و انتخابات آزاد است و اکنون خواستار آزادی زندانیان سیاسی هم میباشد دیگر چه نیازی به گرفتن شام غریبان از طرف ماست؟ سفره حضرت عباس انداختن ایرانیان خارج از کشور کم بود شام غریبان هم بعنوان یک جنبش به آن اضافه شد.

چرا ما از این درک مسلم و روشن غافلیم که التجاء به خارجی برای آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احتمالی آنها را با مشکل مواجه میکند، کدام دولتی با خواست دولت دیگری زندانیان را آزاد کرده که جمهوری اسلامی دومی آن باشد.

وقتی خانم کلینتون و یا رئیس جمهوری آمریکا خواستار آزادی زندانیان سیاسی میشود ایجاد خیلی توهمات میکند که همه آنها برای جمهوری اسلامی جدی است.<sup>۲</sup>

کدام زندانی سیاسی از ما ایرانیان خارج از کشور خواسته که ما از آمریکا بخواهیم که آمریکا او را از زندان جمهوری اسلامی نجات دهد؟ زندانی سیاسی آنقدر میفهمد که این درخواست ها در شان یک مبارز سیاسی نیست و دخالت بیگانه نه تنها اتهام او را سنگین میکند بلکه به شرافت اعتقادی و اصالت مبارزه او هم لطمه میزند.

ولی ما ایرانیان خارج، از درک این حقیقت ساده غافلیم چرا غافلیم؟

زیرا از اعتقاد راسخ و شرافت مبارزه سیاسی بی بهره و خالی هستیم، هُرهری و بی فکر هستیم به هربادی را باد میدهم، و خیال میکنیم که زندانیان سیاسی هم مثل ما هستند (کافر همه رابه کیش خود پندارد) و نمیتوانیم باور کنیم که زندانی سیاسی معتقد، به قیمت جانش هم حاضر نیست دست از عقیده اش بردارد و عبور از اعتقادش را با آزادی از زندان عوض کند.

همه زندانیان سیاسی که مانند فخرآور و جهانبیکلو و محمدی و غیره نیستند که شرافت مبارزه را با آزادی از زندان عوض کنند و از زندان مرخص شوند و به خارجه بیایند.

<sup>۱</sup> - مردم هر روز از روز پیش بیشتر در پی فرار از مراسم مذهبی و تشریفات مسخره که توسط «تشیع» منگوله پای اسلام شده است و در هیچ جای دیگر جهان نمونه ندارد، می باشند، و در حالیکه فریاد جدایی دین از سیاست را به گوش آنها می خوانند در کنار «شمع روشن» کردن به سبک امامزاده ها بطور توجیه می شوند. ح-ک

<sup>۲</sup> - در کدام کشور سیستم دادگستری پروانه دخالت سازمان های بین المللی را در باره محاکمه و یا زندانی (از هر نوعی که باشد) را به بیگانه یا به رییس کشور دیگری میدهد. آیا دخالت در زندانی شدن مجرمین یا جاسوسان در کانادا، انگلستان و آمریکا دخالت در امور داخلی آمریکا بحساب نمی آید؟ اگر می آید پس چرا برخی از ایرانیان به اصطلاح مبارزه با دادن امتیاز دخالت در امور کشور را به بیگانه مجاز می سازند؟ ح-ک

هریک از زندانیان سیاسی که توبه کنند و با جمهوری اسلامی بیعت کنند شرایط آزادی آنها از زندان فراهم میشود نمونه اش همین دیروز انتشار یافت؛

سعید ملک پور در ارتباط با بیگانگان و فساد فی الارض محکوم به اعدام شد حکم اعدام او در دیوان کشور هم ابرام شد ولی چون توبه کرد حکم اعدام باطل شد زیرا توبه و قبول آن متهم را بیگناه میسازد.

(کیهان لندن شماره ۱۴۳۵)

یکی از دادستان های جمهوری اسلامی گفته بود: «ما افرادی در زندان داریم که سالها حتی حاضر نیستند نام خودشان را بگویند» آیا این چنین آدمی به آزادی خودش اهمیت میدهد و یا حفظ موضع اعتقادی اش؟

اینها که زیر شکنجه کشته میشوند در اثر مقاومت و سرسختی در حفظ اعتقاد آنهاست و الا ایام باز داشت آنها مانند جهانبگلو که خودایشان توضیح داده با آرامی و دوستانه سپری میشود.

ما چون بچه نه نه هانی هستیم که همه چیز را از آمریکا می خواهیم، از آمریکا پول و حمایت می خواهیم، از آمریکا گواهی وطن پرستی می خواهیم، از آمریکا گواهی شرافتمندی و آزادیخواهی خودمان را می خواهیم، از آمریکا می خواهیم که ثروتمندان ما را وادار کند که بمبارزه ما کمک کنند، از آمریکا می خواهیم که تحریم های سخت و گاهی هم هوشمندانه علیه ایران بکارگیرند و اگر مسئله اتمی با مذاکره حل نشد حمله نظامی بکند (البته با ذکر متاسفم) از آمریکا انتخابات آزاد را می خواهیم، آزادی زندانیان سیاسی را هم از آن کشور می خواهیم.

پس مبارزه ما بچه نه نه ها چیست؟ قطعنامه امضا کردن و اخیرا هم شام غریبان گرفتن؟؟ !!